



بررسی تطبیقی زهد در اشعار ابوالعتاهیه و غزال اندلسی

الهام کرامتی^۱، هاشم دارآفرین^۲

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد، ایران. (نویسنده مسئول)^۱

۲. دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات علوم انسانی دکتر علی شریعتی، دانشگاه فردوسی مشهد، ایران.

چکیده

زهد به معنای ترک دنیاپرستی و بی‌رغبتی نسبت به آن است و به‌عنوان یکی از موضوعات و اغراض مهم شعری به شمار می‌آید که از زمان پیش از اسلام، شاعران بسیاری در این موضوع طبع آزمایی کرده‌اند. ابوالعتاهیه شاعر نام‌آور عصر عباسی و یحیی بن حکم معروف به غزال اندلسی از جمله شاعران زهد به شمار می‌آیند که در اشعار خود جلوه‌هایی از زهد را به نمایش گذاشته‌اند. پژوهش حاضر ضمن بررسی و مقایسه زهدیات این دو شاعر بزرگ با روش توصیفی-تحلیلی به دنبال پاسخگویی به این پرسش‌ها می‌باشد: ۱. مؤلفه‌های زهد در آثار ابوالعتاهیه و غزال اندلسی کدام‌اند؟ ۲. چه شباهت‌هایی میان زهد در اشعار ابوالعتاهیه و غزال اندلسی وجود دارد؟ اهمیت این پژوهش در چارچوب آشنایی پژوهشگران با محورهای زهد از خلال بررسی اشعار ابوالعتاهیه و غزال اندلسی می‌باشد. نتیجه بیانگر این نکته است؛ باوجود اینکه هر دو شاعر محورهای متنوعی از زهد را در شعر خود به نمایش گذاشته‌اند در بسیاری از این مؤلفه‌ها، دیدگاه یکسانی را عرضه کرده‌اند که شباهت‌های بسیاری میان زهدیات این دو شاعر وجود دارد. مهم‌ترین جلوه‌های مشترک زهد در اشعار ابوالعتاهیه و غزال که در این پژوهش به آنها پرداخته شده است عبارتند از: یاد مرگ و تنهایی، طلب روزی حلال، نکوهش جمع‌آوری ثروت و عدم دل‌بستگی به دنیا.

واژگان کلیدی: ابوالعتاهیه، غزال اندلسی، زهد، یاد مرگ و تنهایی.

۱- مقدمه

۱-۱. بیان موضوع

زهد در لغت به معنای ترک دنیا و بی‌رغبتی نسبت به آن است (ابن منظور، ۱۹۹۸، ج ۳: ۱۹۶) و نیز به معنای خالی شدن قلب از تعلق به مخلوقات و رویگردانی از آنها است (الاعرابی، ۱۹۹۸: ۱۱) این مفهوم در اصطلاحات دینی به معنای به معنای پشت کردن به دنیا و بریدن از غیر خدا و

رو به سوی خداوند آوردن است که رسیدن به این حالت از بالاترین درجات زهد به شمار می آید (نراقی، ۱۳۴۸، ج ۴: ۳۱۳) و یکی از مضامین شعری است که تاریخچه آن به دوران جاهلی و پیش از اسلام بازمی گردد. در دوره جاهلی شعر زهد بیشتر دارای جنبه پند و اندرز بود و یک غرض شعری مستقل به شمار نمی آمد (ضیف، ۱۴۱۸: ۳۸) در عصر اموی و عباسی به دنبال پریشان حالی اوضاع سیاسی و اجتماعی گرایش به این غرض شعری فزونی یافت و در این دورانها شاعران بسیاری درباره موضوع زهد طبع آزمایی کردند. در میان شاعران عصر عباسی، ابوالعتاهیه دارای اشعاری برجسته و منحصر به فرد در زمینه زهد است. در اواخر قرن دو و اوایل قرن سوم هجری موضوع زهد به اندلس نیز راه یافت و در قرن های چهارم و پنجم هجری، شاعران زهدگرای بسیاری در اندلس همچون غزال اندلسی، درباره این موضوع شعری، اشعاری را سرودند. شروع و پیدایش شعر زهد در اندلس را به زمان حکمرانی قرطبه و در بستر قیام و اعتراض علیه حکومت ربضی نسبت داده اند (عباس، ۱۹۶۹: ۱۱).

ابو العتاهیه شاعر برجسته و مشهور عصر عباسی و یحیی بن حکم اندلسی در اشعار خود درباره ی زهد و محورهای آن طبع آزمایی نموده اند. در این مقاله تلاش بر آن است که به شباهت های موجود اشعار زهد و جلوه های آن در شعر این دو شاعر بزرگ پرداخته شود. پژوهش حاضر که با روش توصیفی - تحلیلی صورت پذیرفته است در پی پاسخگویی به این سؤال است که میزان مشابهت یا عدم تشابه مضامین زهدی در شعر و تأثیر آن بر زندگی این دو شاعر تا چه اندازه است با توجه به عدم بررسی چنین موضوعی و وجود نزدیکی و تشابه میان زهد در آثار شعری این دو شاعر پرداختن به این موضوع از اهمیت برخوردار است.

۲-۱. پیشینه ی پژوهش

درباره موضوع زهد در اشعار ابو العتاهیه و غزال اندلسی پژوهش های متعددی به شکل جداگانه انجام شده است. اما تاکنون پژوهشی که به طور مستقل به مقایسه اشعار زهدی این دو شاعر بپردازد و شباهت ها و تفاوت های آن را مورد بررسی قرار دهد، صورت نگرفته است؛ از این رو پژوهش پیش روگامی نو در زمینه ی تحلیل شباهت های موجود درباره جلوه های زهد در آثار این دو شخصیت به شمار می آید.

از میان آثاری که به صورت مستقل به موضوع زهد در اشعار هر کدام از این دو شاعر پرداخته اند می توان به موارد زیر اشاره نمود:

۱- پایان نامه کارشناسی ارشد با عنوان «زهد و جلوه های آن در شعر ابوالعتاهیه» نوشته لطیف امینی (۱۳۷۸).

این پژوهش به بررسی زهد در عصر عباسی اول و بازتاب آن در شعر ابوالعتاهیه می‌پردازد و شامل یک مقدمه و سه بحث اصلی است و محتوای مباحث آن درباره زهد و ریشه‌های آن، زهد اسلامی و ارتباط آن با تصوف و عرفان، ارتباط زهد اسلامی با ادیان دیگر، بررسی زهد در قرن دوم و سپس ظهور شعر زهدی در عصر عباسی اول و خلاصه‌ای از زندگی و آثار و سبک و موضوعات شعری ابوالعتاهیه و موضوعات مختلف زهدی است که ابوالعتاهیه در اشعار خود به آن‌ها پرداخته است.

۲- مقاله‌ای با عنوان «مقارنه بین ابی العتاهیه و ناصر خسرو فی الزهد» نوشته تورج زینی‌وند و سید عدنان اشکوری (۱۳۹۰) این پژوهش شامل مقدمه‌ای درباره تعریف شعر زهد و سیر پیشرفت آن در ادبیات فارسی و عربی است و سپس به مقایسه تطبیقی میان اشعار ابوالعتاهیه و ناصر خسرو می‌پردازد و در ادامه اسباب فردی و اجتماعی گرایش این دو شاعر به شعر زهد را مورد بررسی قرار می‌دهد. در این پژوهش به تأثیر و تأثر این دو شاعر از یکدیگر و مضامین شعری و تجربیات مشترک آن‌ها پرداخته شده است.

۳- مقاله‌ای با عنوان «تجلی سویه‌های زهداندیشی در شعر و اندیشه غزال اندلسی» نوشته دانا طالب پور (۱۴۰۱). این پژوهش به بررسی محورهای زهد در اشعار غزال اندلسی پرداخته است و در پایان به این نتیجه دست یافته است که شعر وی تصویری است از اندیشه و دیدگاهی است که به دنبال بیان تجربیات زندگی است. نویسنده در این پژوهش بیان می‌کند که غزال در شعر خود با عنوان کردن موضوعاتی چون عدم دلبستگی به دنیا، یاد کردن مرگ و تنهایی، نفرت و دوری از گناه، سرزنش مال و بیزاری نسبت به آن، ویژگی‌ها و صفات یک انسان زاهد را به بهترین شکل به تصویر کشیده است و معتقد است بی‌گمان اوضاع سیاسی- اجتماعی حاکم بر عصر وی از جمله اضطراب و ناامنی در شیوع پدیده زهد در روزگار شاعر تأثیر بسیاری در گرایش وی به این اشعار داشته است؛ به گونه‌ای که با دقت در اشعار این شاعر می‌توان غلبه تأثیر آن‌ها را بر فکر و اندیشه شاعر به خوبی مشاهده نمود.

۵- مقاله‌ای با عنوان «بررسی مضمون زهد در اشعار ابوالعتاهیه و عطار نیشابوری» نوشته لیلا قاسمی حاجی آبادی و شهرزاد قیطاسی (۱۳۹۷). این مقاله پس از اشاره مختصری به زیست نامه‌های این دو شاعر به بررسی علل گرایش به زهد و میزان تأثیر و تأثر احتمالی آنان را از یکدیگر پرداخته و وجوه مشابهت و مغایرت موضوعات زهدی این دو شاعر را مورد بررسی تطبیقی قرار داده است. نتیجه این پژوهش بیانگر این مطلب است که تأثیر فرهنگ اسلامی به ویژه قرآن و حدیث، در محتوا و صور بلاغی زهدیات این دو شاعر نمود برجسته‌ای یافته است. زهدیات

ابوالعتاهیه دارای درون مایه های دینی خاصی است که بر اشعار زهد فارسی تأثیر شگرفی برجای گذاشته است.

۳-۱. پرسش های پژوهش

پژوهش پیش رو ضمن بررسی و مقایسه زهدیات ابوالعتاهیه و غزال اندلسی به کمک روش توصیفی-تحلیلی به دنبال پاسخگویی به این پرسش ها است:

۱. مؤلفه های زهد در آثار ابو العتاهیه و غزال اندلسی کدام اند ؟
۲. چه شباهت هایی میان زهد در اشعار ابو العتاهیه و غزال اندلسی وجود دارد؟

۴-۱. فرضیه های پژوهش

فرضیه های این پژوهش دربردارنده این موارد می باشد:

- ۱- به نظر می رسد از میان جلوه های زهد، توجه به مرگ و فنا، عدم دل بستگی به دنیا، نکوهش جمع آوری ثروت و طلب روزی حلال در اشعار این دو شاعر زاهد بیشتر خودنمایی کرده باشد.
- ۲- گویا شباهت زیادی میان نگرش زاهدانه ابو العتاهیه و غزال اندلسی و کاربرد جلوه های زهد در اشعار این دو وجود دارد.

۵-۱. ساختار و روش پژوهش

نویسنده قصد دارد با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی به بررسی جلوه های زهد در آثار این دو شاعر بپردازد. این پژوهش در ادامه کارهایی است که پژوهشگران گذشته انجام داده اند. مقاله ای حاضر در محورهای زیر تنظیم شده است:

- ۱- تعریف زهد - ۲ معرفی ابو العتاهیه - ۳ معرفی یحیی بن حکم ۴ - مفاهیم زهد در آثار دو شاعر که شامل یا یاد مرگ ، کسب روزی حلال ، نکوهش جمع آوری ثروت و عدم دل بستگی به دنیا می باشد.

۲- زهد

زهد به معنای قناعت به توشه اندک و نگرستن به دنیا با نگاه شخصی است که در حال کوچ کردن می باشد (العبدی، ۲۰۰۳: ۵) زهد و پارسایی از موضوعات مهم در ادبیات به شمار می آید. به گونه ای که یکی از اصلی ترین اغراض شعری شاعران را به خود اختصاص داده است. زهد امری است که بیشتر به عالم عرفان و عرفا ارتباط دارد و شاعران عارف و زاهد در این موضوع طبع آزمایی نموده اند. در این مبحث به طور اختصار به چند معنا از زهد پرداخته می شود.

ابن اثیر در کتاب النهایه درباره زهد می نویسد: «الزهد: قلیل الشی، شیء زهید؛ زهد یعنی چیز اندک و ناچیز.

نراقی در کتاب جامع السعادات می‌نویسد: (صَدَّ حُبُّ الدُّنْيَا وَالرَّغْبَةُ إِلَيْهَا هُوَ زَهْدٌ) یعنی: ضد دوستی و تمایل به دنیا را زهد می‌گویند. او می‌افزاید: (زاهد کسی است که قلب او شیفته و وابسته به دنیا نباشد و جز به قدر ضرورت زندگی به دنیا روی نیاورد). (شفیعی ۱۳۷۵: ۱۷).

با توجه به معنای لغوی و اصطلاحی زهد، می‌توان زهد را اینگونه معنا کرد: زهد عبارت است از عدم گرایش و رغبت قلبی نسبت به دنیا و امور دنیوی و پرهیز از آن، زهد ضد حرص و آز و به معنای حقیر و ناچیز انگاشتن، اهانت روا داشتن و وانهادن است. هم‌چنین می‌توان زهد را به بی‌اعتنایی و عدم وابستگی قلبی نسبت به دنیا تفسیر کرد (همان: ۱۹). در تعریف دیگری از زهد آمده است: زهد به معنای خالی شدن قلب از تعلق به مخلوقات خداوند و یا سرد شدن دنیا، در قلب انسان و یا روی گرداندن از آن است. و درجایی دیگر آمده است: «زهد به معنای اکتفا و قناعت به زاد و توشه اندک و نگرستن به دنیا به دیده شخصی است که در حال کوچ کردن است». (طالب پور، ۱۴۰۱: ۱۰۸).

۳. ابو العتاهیه

۳-۱. شرح حال

ابو اسحاق اسماعیل بن قاسم معروف به ابو العتاهیه در سال ۱۳۰ (ه ق) در روستای عین التمر نزدیک الانبار متولد شد. پدر و مادر او افراد گمنامی بودند، او در یک خانواده تهی دست پرورش یافت پدرش شخصی حجام بود، شاعر به همراه برادرش در دکان کوچکی در شهر کوفه سفال فروشی می‌کردند.

شاعر در کوفه پرورش یافت و به لهو و عیاشی سخت مشتاق بود. وقتی شعرش رنگ و رونقی یافت، هوای دربار خلفا در سرش افتاد و از کوفه راهی بغداد شد. ابو العتاهیه در زمان خلافت مهدی به بغداد آمد و در زمره ی نزدیکان خلیفه درآمد، در مدح او قصاید فراوانی سرود و هدایای زیادی دریافت کرد. در قصر مهدی، کنیزی به نام عتبه بود ابو العتاهیه به او دل بست اما عتبه به او توجهی نکرد این شکست و ناامیدی سبب شد که از لهو و لعب و عیاشی دست بردارد و آرزوها و زرق و برق دنیا را ناچیز بشمارد. سپس شاعر به تحصیل علم کلام روی آورد و در مقالات شیعه، جبریه و زهاد نگرست از آن پس هر چندگاه به مذهب و مسلکی روی آورد و به عبادت و زهد گروید شاعر به دستگاه هارون الرشید، مأمون و امین نیز راه یافت. و از صلوات و هدایای آن‌ها بهره‌مند شد. ابو العتاهیه غزل‌سرایی را رها کرد و شعر خود را منحصر به زهدیات و ذکر مرگ و هول و هراس آن ساخت. اما برای کسب مال هم چنان به دربار خلفا رفت و آمد می‌کرد. (الفاخوری، ۱۳۸۳: ۳۱۷).

دربارهٔ مذهب ابوالعتاهیه باید گفت او به زیدیه گرایش داشت و در بعضی از کتب شیعه مانند روض الجنات احتمال شیعه بودن او ذکر شده است (علیان، ۳۷، ۱۹۹۱). در روزگار او البته افرادی هم وی را به زندقه و کفر متهم نموده اند دلیل این امر را عدم اشاره او به رستائیز و آخرت در سروده هایش دانسته اند (اصفهانى، ۱۹۸۴: ۳۵).

۲-۳. آثار و اغراض شعری

آثار ابوالعتاهیه به دو دسته تقسیم می شوند:

الف) زهدیات ؛ بخش بزرگی از اشعار او شامل زهد می شود که به دست ابو عمر یوسف بن عبد الله القرطبی گرد آورده شده است.

ب) اغراض دیگر شعری ؛ همچون مدح ، رثاء، هجاء ، وصف، امثال و حکم که اب لویس شیخو آنها را گرد آورده نمود و دیوان کاملی را تحت عنوان «الانوار الزاهیه فی دیوان ابی العتاهیه» در سال ۱۸۸۶ چاپ کرد. (همان: ۳۱۸)

۳-۳. زهد ابو العتاهیه

زهد به معنای واقعی در عصر عباسی پس از ترجمه ی حکمت های فارسی و هندی شناخته شده و نویسندگان و شاعران بر آن آگاهی یافتند. ابو العتاهیه اولین شاعری است که از آن متأثر شد و آن را در شعر آشکار ساخت (بستانی، ۱۹۷۹: ۳۰). شعر فلسفی-زاهدانه را ابو العتاهیه در ادبیات عرب ابداع نمود و در این نوآوری مقامی ارجمند دارد. او شعر را به چنان مقامی بالا برد که رسول هدایت و اصلاح جامعه گردید شعر او بیانگر ابعاد جدی زندگی آدمی است (عبد الجلیل، ۱۳۷۶: ۱۱۷).

ابو العتاهیه در زهدیات خود مجموعه ای از کلمات قصار حکمت آمیز را در ابیاتی محکم و متین گرد آورده است. که هر یک در لفظی اندک ، فکری عمیق و انسانی را در بر دارد گاه به قدری موجز و پر معنی است که جا دارد به عنوان ضرب المثل به کار رود. (الفاخوری، ۱۳۸۳: ۳۲۳). شاعر در زهدیات خود پیرو مکتب فلسفی معینی نیست. حتی ، آرای او هم بر چنین بنیانی مستقر نیستند. او خود به مذاهب مختلفی سر کشیده ولی به صراحت از هیچ کدام جانبداری نکرد و برای خود شیوه ی خاصی در فلسفه انتخاب نکرده است؛ بنابراین زهدیات او چیزی جز یک سلسله مواظظ ادبی و تاملاتی شاعرانه پیرامون زندگی و مرگ نیست (همان: ۳۲۲).

بیشتر زهدیات ابوالعتاهیه را تحقیر و بدبینی نسبت به دنیا و دعوت به قناعت پیشگی تشکیل می دهد؛ اما بر بخش بزرگی از زهدیات او هاله ناامیدی و بیزاری از زندگی در دنیا سایه افکنده

است که با اسلام و تعالیم آن منافات دارد زیرا اسلام نمی‌خواهد که دنیا در نظر انسانها منغور باشد اما ابوالعتاهیه آن را در ظلمتی کشنده به تصویر در می‌آورد (اصفهانی، ۱۹۸۴: ۱۴). اشعار زهد ابوالعتاهیه از نظر ادبی و فنی ارزش بسیاری دارد؛ زیرا او توانسته است پندهای خود را در قالبی عرضه کند که از جمود و خشکی اشعار تعلیمی به دور باشد و خشونت زاهدانه و پند آموز کلام خود را از نظر خواننده پنهان کند. او در زهدیات خود ثابت می‌کند که می‌تواند به نحو شگفت‌انگیزی معانی مجرد را چنان در لباس محسوس به نمایش بگذارد که زیبایی آن را دوچندان کند.

۴- یحیی بن حکم

۴-۱. شرح حال

یحیی بن حکم بکری منصوب به بکر بن وائل چون در کودکی زیبا رو بود او را غزال (آهو) خوانده‌اند. او در شهر جیان زاده شد و در قرطبه (کورد و با) زیست و با چهار تن از حکام اموی معاصر بود. او از نزدیکان حکام و فرمانروایان بود و در مسائل مهم سیاسی طرف مشورت قرار می‌گرفت. وی به عنوان سفیر به دربار شاهان اعزام می‌شد. ابن حیان در کتاب المقتبس درباره وی چنین می‌گوید: غزال حکیم، شاعر و طالع بین اندلسی بود که نود و چهار سال عمر کرد و به سبب عمر طولانی که داشت با پنج تن از خلفای مروانی در اندلس هم عصر بود (مقری، ۱۹۹۸: ج ۲: ۲۵۴). او از فن و شیوه پرورش اسب نیز بسیار آگاهی داشت. همچنین از دانش فلسفه و ریاضیات نیز اطلاع فراوانی داشت، علاوه بر تمام ویژگی‌های یاد شده او از برجسته ترین شاعران عصر خویش بود. عبد الرحمن بن حکم حاکم اندلس به دلیل هجو گزنده اش نسبت به زریاب اورا تبعید کرد و ناچار غزال روانه عراق شد بعدها در حالی که از می‌گساری دست کشیده و زاهد شده بود دوباره به اندلس بازگشت، و قصیده ای درباره ی فتح اندلس در بحر رجز سرود است. در جایی دیگر آمده است که ابن غزال با پنج تن از حاکمان اندلس هم دوره بوده است. از جمله: ۱- از عبد الرحمن الداخل ۲- هشام ابن عبد الرحمن ۳- حکم بن هشام ۴- عبد الرحمن الاوسط بن حکم ۵- محمد بن عبد الرحمن (همان).

۴-۲. آثار و اغراض شعری

او در اغراض مختلفی شعر سروده است که به برخی از آنها اشاره می‌شود: غزل هجا، تعریض، مدح وصف، حکمت، تفکر در امور زندگی. دیوان غزال توسط حبیب بن أحمد الشطجیری اندلسی جمع آوری شده است. و بر اساس حروف معجم ترتیب یافته است که اثری از دیوان در فهرست کتابخانه های مشهور یافت نمی‌شود.

صالح بن دناق سی و چند قصیده و قطعه را به آن اضافه کرد. سپس الدایه دوباره شعر او را گرد آوردی نمود تاجایی که مجموع اشعار او به ۶۵ قصیده و قطعه رسید. (محمد رضوان الدایه ، الموسوعة العربية / الغزال : ۸۵۵).

۴-۳. زهد غزال اندلسی

از اسباب و عوامل زمینه‌های پیدایش زهد در اندلس ، می‌توان بیشتر به همان عوامل و اسباب پیدایش آن در شرق اسلامی اشاره کرد، به گونه‌ای که اندلسی‌ها توانستند در اشعار زهدی خود از نظر حجم و تولید معانی و ترسیم صورت های قوی و موثر از مشرقی ها پیشی بگیرند. از اولین نمونه های شاعرانی که در باب زهد و حکمت اندلسی شعر سروده اند غزال است، آنگاه که نسبت به گناهانی که به آن مرتکب شده بود تو به کرد و بر آن پشیمان شد و از زندگی و جوش و خروش آن به تنگ آمد و احساس کرد روزگار او را در هم پیچیده و ضعیف و ناتوان ساخته است. ابن دحیه درباره‌ی شیوه زهد او می‌گوید : زهد شاعر به گونه‌ای ناآشنا و ناملموس نبوده است؛ بلکه زهدی ادبی بوده است که شاعر در آن شیوه‌ی نسبتاً زیبایی را در پیش گرفته بود. زهد غزال مانند زهد راهبانی که به سبب فساد و بی‌ثمری دنیا از آن گریخته‌اند نبوده است ؛ بلکه زهد او در پی کوشش عملی برای زندگی بوده است که از لذت‌ها و خوشی‌های آن تا آنجا که توانسته است بهره برده است و به دنبال آن دنیا در نگاه او فاسد و پر از اندوه جلوه‌گر شده است. (طالب پور ، ۱۴۰۱ : ۱۰۸).

با این وجود می‌توان گفت ابو العتاهیه و یحیی بن حکم، هردو در دربار خلفاء و حکماء خدمت کرده اند و با موضوعات و مسایل سیاسی و اجتماعی آشنا بوده اند و شاید به همین خاطر است که توانسته اند مباحث و اغراض گوناگونی را در شهر خود انعکاس دهند.

۵. جلوه های زهد

زهد دارای جلوه ها و مؤلفه‌های بسیاری است که در این مبحث به برخی از آنها اشاره می‌شود: **یاد مرگ** از مهم ترین محورهای زهد به شمار می آید به طوری که اکثر شاعران به آن پرداخته اند زیرا مرگ موضوعی است که زندگی انسان را تحت تاثیر خود قرار داده است و چاره ای از آن نیست.

عدم دل بستگی به دنیا و تحقیر آن محور دیگری است که شاعران زاهد در باره آن شعر سروده اند و به بی ارزشی دنیا و دعوت به قناعت و دل نبستن به آن توجه کرده اند.

نفرت و دوری از گناه در شعر زهدی جایگاه خاصی دارد زیرا زمانی خود را نشان می‌دهد که فرد زاهد از گناه و کارهای ناشایست دوری کند.

ذم و سرزنش روزگار، اعتقاد به قضا و قدر الهی، بدبینی نسبت به دنیا، سستی و پوچی مال دنیا و تلاش در مسیر دست یابی به رزق و روزی حلال از دیگر موضوعات مورد بحث در شهر زهدی محسوب می‌شوند.

در این مقاله به بررسی برخی از این موضوعات در شعر ابو العتاهیه و غزال پرداخته می‌شود:

۱-۵. یاد مرگ و تنهایی

امام باقر (علیه السلام) درباره اهمیت یاد مرگ و زهد در دنیا می‌فرماید: أَكْثَرُ ذِكْرِ الْمَوْتِ فَإِنَّهُ لَمْ يُكْثِرْ إِنْسَانٌ ذِكْرَ الْمَوْتِ إِلَّا زَهَدَ فِي الدُّنْيَا بسیار به یاد مرگ باش، زیرا نتیجه آن نیست مگر زهد و دل نبستن به دنیا (کلینی، ج ۲، ۱۹۹۰: ۱۳۱). مرگ برای هر موجود زنده ای حقیقتی غیر قابل انکار است و به فرموده قرآن کریم هر کسی طعم آن را خواهد چشید «كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ». شاید مرگ اساسی ترین موضوع ذهن بشر باشد و همواره یکی از اصلی ترین دغدغه های انسان به حساب می‌آید و برای رهایی از آن تلاش های زیادی را با توجه به اعتقادات خود انجام می‌دهد. اما مرگ پدیده ای است که همه را فرا می‌گیرد و چاره ای از آن وجود ندارد و همه انسانها شکار مرگی هستی که فرار از آن نجات بخش نخواهد بود. شاعران زهد نیز به این موضوع اهمیت داده اند و هر کدام طبق عقیده ی خود این موضوع را در شعر خویش انعکاس داده اند.

ابو العتاهیه هنگامی که در برابر قبرهای گورستان می ایستد، از مرگ و فنا سخن می گوید زیرا برترین زهد یاد مرگ است، کسی که می خواهد زندگی زاهدانه را پیش روی خود قرار دهد، نباید مرگ را لحظه ای از خاطر خود دور کند. شاعر برای تعبیر از مرگ به عنوان حقیقتی فراگیر، به آفرینش تصاویری روشن و در نهایت قوت و بلاغت می‌آفریند که خواننده را سخت تحت تاثیر قرار می‌دهد:

لدوا للموت وابنوا للخراب فكلکم یصیر الی تباب

لمن نبی و نحن الی تراب نصیر کما خلقنا من تراب

برای مردن بزیاید و برای خراب شدن بسازید در حالی که همه شما به سوی هلاکت می روید. وقتی که همگان به خاک بر می گردیم همان طور که از خاک آفریده شده ایم پس برای چه کسی بسازیم. (ابو العتاهیه ۱۴۲۷: ۵۱).

شاعر در بیت اول خود از کلام امیرالمومنین (ع)^۲ الهام گرفته است و از این حکمت مشهور در شعر خویش استفاده نموده است تا تأثیر کلام خود را بیشتر کند. ابو العتاهیه با تکرار این نکته

^۱ آل عمران/ ۱۸۵

^۲ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّ لِلَّهِ مَلَكًا يُنَادِي فِي كُلِّ يَوْمٍ لِدُّوا لِلْمَوْتِ وَاجْمَعُوا لِلْفَنَاءِ وَابْنُوا لِلْخَرَابِ (حکمت ۱۲۷ نهج البلاغه)

به ما یاد آوری می‌کند که فریب دنیا را نخوریم، و در طلب اهداف آن زیاده روی نداشته باشیم و همواره دنیا را با میزان آخرت بسنجیم و نیکوکاری و صلاح پیشه سازیم. غزال اندلسی نیز در اشعار خود به تفکر درباره‌ی مرگ پرداخته و هنگامه فرارسیدن أجل و کوچ کردن را اینگونه شرح می‌دهد:

حتى بقيتُ بحمد الله في خلف كأنني بينهم من خشية وحدي
و ما افارق يوماً من أفرقه الاحسبت فراقى آخر العهد
أنظر إلى اذا أدرجت في كفني وانظر إلى از ادرجت في اللحد
واقعد قليلاً وعاین من یقیم معی ممن یشیعنی من ذوی وُدّی

شکر خدا در پشت سر تنها ماندم گویا من از تنهاییم در میان آنان می ترسم و من هیچ روزی از او جدا نشدم مگر اینکه به جدایی ام را پایان عهد و پیمان (روزگار) پنداشتم. وقتی که در کفن پیچیده شدم و در قبر قرار داده شدم به من نگاه کن اندکی بنشین و ببین چه کسی همراه من است از دوستان و کسانی که مرا تشییع کردند (غزال ۱۹۸۲ : ۶۴)

شاعر در ابیات بالا از مرگ خود سخن می گوید و به این نکته می پردازد که انسان سرانجام هنگامی که در قبر گذاشته می‌شود تنها می‌ماند و دوستان و آشنایان او را رها می‌کنند و به دنبال کارهای خود می‌روند در واقع او نسبت به مرگ و حوادث پس از آن هشدار می‌دهد تا برای آن آمادگی داشته باشیم زیرا با یاد مرگ دیدگاه انسان تحت تاثیر قرار خواهد گرفت و در نتیجه چنین دیدگاهی به مقدار اندکی از دنیا راضی می‌شود.

ابو العتاهیه نیز تنهاشدن انسان در قبر و دوری آشنایان و دوستان از او را این‌گونه بیان می‌کند:
ییکی علیه قلیلاً ثم یخرجه فیمکن الارض منه ثم ینساه
اندکی بر او می‌گرید سپس بیرونش می‌راند و در هر زمین دفنش می‌کند و از یادش می‌برد. (ابو العتاهیه : ۱۴۲۷ : ۴۲۲)

شاعر در این بیت هشدار می‌دهد که پایان کار انسان عاقبت به گور می‌انجامد و دیری نمی‌پاید که مرگ خاطره‌ی انسان را حتی از دل نزدیک ترین کسانی می‌زداید.

۲-۵. کسب روزی حلال

رزق و روزی حلال یکی از نکات مهم، در زندگی یکتاپرستان می‌باشد، و خداوند از آنها می‌خواهد که از راه های درست و پاکیزه در طلب رزق باشند، برای اینکه انسان به زهد دست یابد چاره ای از خوردن مال حلال ندارد. زیرا، مال حرام جسم و روح وی را آلوده می‌کند و صفای باطن را می‌گیرد. پیامبر اکرم(ص) درباره فضیلت کسب حلال فرموده اند: کسی که در راه روزی حلال تلاش میکند همچون مجاهد در راه خداوند است (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۳: ۱۶۸). ابو

العتاهیه با اینکه از طریق شاعری و ارتباط با دربار در آمدزایی می کرد. اما، پس از آنکه به زهد گرایش یافت این موضوع را در اشعار خود ذکر کرده است:

ولا تدع مكسبا حلالا تكون منه على بيان
فالمال من حِلّه قوام للعرض والوجه واللسان
والفقر ذلّ عليه باب مفتاحه العجز والتوانی

کسب حلال را رها مکن زیرا بیان از آن سرچشمه می گیرد. اگر مال حلال باشد سبب حفظ آبرو، چهره و زبان می باشد. فقر ذلت و خواری است که دروازه ای دارد و کلید آن ناتوانی و سستی است (بستانی، ۱۹۷۹: ۳۰).

شاعر همان طور که به کسب روزی حلال فرا می خواند از فقر و نداری و سستی منع می کند زیرا فقر به منزله‌ی دروازه‌ای برای کفو و ذلت است.

غزال اندلسی نیز مانند دیگر شاعران زهد پیشه در اشعار خود به کسب روزی حلال و قناعت در زندگی فرا می خواند و از کسب درآمد نامشروع باز می دارد. وی هم چنان کسانی را که با استفاده از مقام و منصب مال حرام بدست می آورند را مورد نقد قرار می دهد:

طالب الرزق الحلال لا یقر نهاره ولیله علی سَفَر
فی الحرو البرد و اوقات المطر وماله فی ذاک نزار محتقر
ان الحلال وحده لا یختمر این تری مالا حلالا قد ثمر

کسی که خواهان روزی حلال است شب و روز در حال تلاش است و آرام نمی گیرد در گرما سرما و برف و باران در حال سفر است و مال او اندک و کم است. مال حلال به تنهایی به رشد و کمال نمی رسد کجا دیده ای که مال حلال به ثمر برسد، (غزال ۱۹۸۲: ۶۷)

شاعر در ابیات بالا به تلاش و کوشش کسی که دنبال روزی حلال است اشاره می کند و می گوید که با روزی حلال هیچ کسی صاحب ثروت باد آورده و بزرگی نمی شود در واقع به افرادی که از طریق پست و مقام و استفاده‌ی نابه جا، ثروت های هنگفت بدست آورده اند اشاره می کند. و رفتار آن ها را مورد نقد قرار می دهد. او معتقد است که روزی توسط خداوند مقدر شده است او از برخی فقهای ثروتمند ابراز شگفتی می کند که چگونه بدون تلاش و کوششی صاحب مال فراوانی شده اند:

لست تلقی الفقیه الاغنیاً لیت شعری این یستغنونا
نقطع البر والبحار طلاب الزرق والقوم ما هاهونا قاعدونا

آیا نمی بینی که انسان فقیه ثروتمند و بی نیاز است ای کاش می دانستم از کجا به این ثروت رسیده اند. ما خشکی و دریاها را در طلب روزی حلال می پیماییم در حالی که این گروه اینجا بیکار نشسته اند و صاحب چنین ثروتی شده اند. (همان: ۱۰۹)

از نظر شاعر انسان برای کسب روزی حلال باید تلاش کند و نباید یک جا بنشیند و منتظر بماند تا دیگران به او مالی را ببخشند. غزال اهل علم را به تلاش و کوشش و دوری از سستی و تبلی فرا می خواند و از آنان می خواهد که خودشان دنبال روزی حلال باشند و فقهای خانه نشین که از طریق دیگران صاحب ثروت شده اند را سرزنش می کند.

۳-۵. نکوهش جمع کردن مال و ثروت

جمع آوری مال و ثروت در هر عصری یک امر ناپسندیده بوده است و همواره انسانهای درستکار تلاش کرده اند که از آن دوری کنند و حتی افراد بی شماری با وجود ثروتمند بودن به بذل و بخشش ثروت خویش می پرداختند. اگر زهد به معنای بی رغبتی به دنیا و ترک آن باشد انسان زاهد و پارسا هیچ گاه به دنبال ثروت اندوزی و ذخیره کردن مال تلاش نمی کند؛ از این رو چنین موضوعی همواره در میان انسان های زاهد و پارسا از اهمیت ویژه ای برخوردار بوده است. البته در مورد ابو العتاهیه اقوال متناقضی روایت می شود: گرایش ابو العتاهیه به زهد مانع روی آوری او به جمع آوری ثروت و بخل ورزیدن در خرج کردن نگشت... (الفاخوری، ۳۲: ۱۳۸۳). با این حال شاعر در مذمت جمع آوری ثروت این ابیات را سروده است:

ماذا تومال لا ابالک فی مال	توت وانت تمسکه
ما لم تکن لک فیه منفعه	مما ملکک فلست تملکه
انفق فان الله یخلفه	لا تمض مذموما وتترکه

در مورد مالی که آن را محکم گرفته ای چه آرزو و خیالی داری در حالی که می میری از آنچه که در اختیاری داری. اگر سودی نبوی در واقع مالک آن نیستی. در راه خدا انفاق کن زیرا خداوند به جای آن به تو می بخشد. پس مورد سرزنش قرار مگیر و آن را رها کن (بستانی، ۱۹۷۹: ۳۱). ابو العتاهیه از یک سو به عالم روحانی مشتاق بود و از سوی دیگر به راحت و رفاه و خوش گذرانی در زندگی، البته از حد اعتدال در نمی گذشت و به اسراف کاری و فجور نمی افتاد. او در عشق عتبه شکست خورد بنابراین به کنج قناعت و تأمل سوق داده شد اما تصمیم قاطع گرفت تا زهد پیشه کند و به دور از علایق دنیا زندگی کند و ظاهراً در تصمیم خود صادق بود. (ابو العتاهیه ۱۴۲۷: ۱۰)؛ اما غزال اندلسی در زهد خود اخلاص دارد و جایی را برای انکار این موضوع باقی نمی گذارد غزال پس از آنکه در دربار، زندگی پرشکوهی را سپری کرده به زهد روی آورده است و ارزش و کمال آدمی را در احساس بی نیازی و دلبسته نبودن به ثروت می داند:

إذا كنت ذا ثروة من غنى فانت المسود في العالم
ان ترد المال فاني امرء لم اجمع المال ولم اكسب
إذا أخذت الحق مني فلا تلتمس الربح ولا ترغب

هرگاه از روی بی نیازی ثروتمند شدی آنگاه تو در جهان به سروری رسیده‌ای. اگر بخواهی به مال برسی قطعاً من انسانی هستم که مال جمع نکرده‌ام و در پی کسب آن نبوده‌ام. اگر حقی را از من بگیری پس در برابر آن سود و فایده‌ای را در خواست مکن. (غزال، ۱۹۸۲: ۱۰۸)

غزال نشانه سروری انسان را در دوری از مال اندوزی و عدم وابستگی به آن می‌داند و خود را به عنوان یک شخصیت انسانی والا عنوان می‌کند که دنبال جمع کردن ثروت نیست و جمع‌آوری ثروت را مورد سرزنش قرار می‌دهد.

۵-۴. عدم دل بستگی به دنیا

یکی دیگر از جلوه‌های زهد، عدم دل بستگی به دنیا و متعلقات آن است. شاعران و نویسندگان زاهد همواره به آن توجه شده‌اند. عدم وابستگی دنیا، تحقیر دنیا و بی ارزشی و سستی مال دنیا و بدبینی و یأس نسبت به آن شعر سروده‌اند. ابوالعتاهیه در تحقیر دنیا کار را به بدبینی می‌کشاند چنان که در سراسر زندگی جز تاریکی و نابودی چیزی نمی‌بیند و از این راه بذر ناامیدی را در دل مردم پاشد:

قطعت منك حبال الآمال وحطت عن ظهر المطي رحالي
ويست آن ابقی لیشی للت مما فيك يا دنيا وان يبقی لی

دام‌های آرزو را از تو در هم گسستم و رخت سفرم را پشت مرکب فرود آوردم ای دنیا نا امید شدم از این که دیر بپایم برای چیزی که در تو بدان دست یافتم و نیز نا امید شدم از این که چیزی برایم باقی بماند. (ابو العتاهیه، ۱۴۲۷: ۲۸۳)

ابو العتاهیه در زهدیات خود به پایه‌های سست ثروت و پوچی و بی ارزشی مال دنیا اشاره می‌کند و از مرگ و گورستان و استخوان‌هایی که در آن نهفته و از تلخی تعلق آدمیزاد به خاک سخن می‌راند.

اری الدنيا لمن هی فی یده عذابا كلما كثرت لدیه

دنیا را برای کسی که آن را در دستان خود دارد و همانند درد و رنجی می‌بینم آن گاه که برای وی زیاد شود (همان: ۴۱۵)

زهدیات ابو العتاهیه پیش از آنکه از سرچشمه عاطفه و خیال سیراب شده باشند از سرچشمه عقل سیراب شده‌اند. و به خطبه‌های بلیغ منبری نزدیک ترند تا به یک شعر والا. زهدیات او تأملات مردی است که زندگی را تحقیر می‌کند و به بدبینی در آن می‌نگرد. (الفاخوری ۱۳۸۳: ۳۲۲)

پس از آنکه در اندلس حوادث و اتفاقات ناگواری رخ داد شاعران بسیاری در برابر این حوادث دچار بی تابی و ناتوانی شده اند تا جایی که این موضوع باعث بیزاری و عدم دل بستگی آنان به دنیا و اتفاقات آن گشته است. غزال اندلسی نیز چنین دیدگاهی نسبت به دنیا دارد و با حالتی دلسردی به دنیا می نگرد که این امر خود ناشی از یأس و بدبینی ای است که شاعر در زمانی که کشورش دچار آشوب و نابسامانی و ناامنی است با آنان رو به رو شده است و باعث شده که نسبت به دنیا و متعلقات آن احساس نفرت و ناامیدی داشته باشد:

و بنام عن دنیا هو نومه قانع بنعیم دنیا هو و ذاک خیال
و ما هذه الدنيا سوى کر لحظة ونعد بها الماضي وما لم یحن بغد
هی الزمن الموجود لاشيء غیره وما مر والأتی عدیمان یا دعد

به مانند شخصی که به نعمت های دنیا دل خوش کرده از آن غافل شده است در حالی که این دلخوشی چیزی جز خیال و رویا نیست. این دنیا فقط همانند یک لحظه ای است که ما با آن گذشته و آینده خود را می شماریم ارزش وجودی آن همان زمانی است که ما در آن به سر می بریم. ای دعد بدان آنچه که گذشته و آنچه که نیامده هر دو یکسان هستند. (غزال ۱۹۸۲: ۱۱۷). شاعر دل بستگی به لذت های دنیا را عرصه خیال بازی و رویای آدمی می پندارد که پیوسته، در حال سپری شدن است و تنها چیزی که می بایست آن را غنیمت شمرد همان لحظه ای است که انسان در آن به سر می برد و سرنوشت اعمال آدمی را رقم میزند. (داناپور، ۱۶۰۱: ۱۰۹). در ابیات بالا شاعر به ناپایداری بودن خوشی های دنیوی اشاره می کند، از نظر او، زمان گذشته و آینده و خوشی های آن نابود شدنی است بنابراین نباید بر گذشته تاسف خورد و نگران آینده بود. شاعر با وجود داشتن چنین نگرشی به دارایی های دنیا، به مهمترین ویژگی آن یعنی فنا پذیری ثروت اشاره می کند ازین رو در شعر خویش به نکوهش دل بستگی نسبت به امور ناپایدار دنیوی و دلخوشی های آن تأکید می کند.

نتیجه

زهد در لغت به معنای ترک دنیا پرستی و بی رغبتی نسبت به آن است و در اصطلاح اسلامی به معنای پشت کردن به دنیا و بریدن از غیر خدا به کار برده می شود. زهد به عنوان یکی از موضوعات و اغراض مهم شعری به شمار می آید که از زمان پیش از اسلام، شاعران بسیاری در این موضوع طبع آزمایی کرده اند. ابوالعتاهیه شاعر نام آور عصر عباسی و یحیی بن حکم معروف به غزال اندلسی از جمله شاعران زهد به شمار می آیند که در اشعار خود جلوه هایی از زهد را به نمایش گذارده اند، با بررسی و مقایسه زندگی ابو العتاهیه و غزال اندلسی و زهدیات این دو شاعر، نتایج زیر به دست آمد:

- ۱- هر دو شاعر در دربار حضور داشته‌اند و زندگی پرزرق و برق درباری را تجربه کرده‌اند و نسبت به مسائل و موضوعات سیاسی و اجتماعی دوران خود آشنایی داشته‌اند.
- ۲- ابو العتاهیه پس از شکست در عشق عتبه به زهد روی آورد درحالی که غزال اندلسی پس از آنکه یک زندگی مرفه را سپری کرد به زهد روی آورد.
- ۳- هر دو شاعر محورهای متنوعی از زهد را در شعر خود به نمایش گذاشته‌اند که در بسیاری از این مؤلفه‌ها دیدگاه یکسانی را عرضه کرده‌اند و موفق شده‌اند تا جلوه‌هایی از زهد را به زیبایی در اشعار خود بیان کرده و سبب تأثیرگذاری در مخاطبان خویش شوند.
- ۴- در مورد راستین بودن زهد غزال شکی وجود ندارد؛ اما باوجود اینکه برخی زهد ابو العتاهیه را بازندگی‌اش در تناقض می‌دیدند؛ می‌توان پذیرفت که او نیز در زهد خود صادق بوده است.
- ۵- مهم‌ترین جلوه‌های مشترک زهد در اشعار ابوالعتاهیه و غزال که در این پژوهش به آن‌ها پرداخته شده است عبارت‌اند از: یاد مرگ و تنهایی، طلب روزی حلال، نکوهش جمع‌آوری ثروت و عدم دل‌بستگی به دنیا.

کتابنامه

• قرآن کریم

- ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۴۱۳)، *من لا یحضره الفقیه*، جلد سوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- ابن منظور، جمال الدین بن مکرم. (۱۹۹۸) *لسان العرب*، بیروت: دار صادر للطباعة والنشر.
- اصفهانی، ابوالفرج (۱۹۸۴)، *الأغانی*، قم: دارالاحیاء التراث العربیه.
- ألعرابی، أبوسعید. (۱۹۹۸) *الزهد و صفة الزاهدین*، تحقیق: عامر النجار وخدیجة محمد الکامل، القاهرة: دار الکتب المصریة.
- بستانی، بطرس، (۱۹۷۹)، *ادباء العرب فی العصر العباسی*، بیروت: دار الجیل.
- شفیع مازندرانی، سید محمد (۱۳۷۵)، *زهد اسلامی*، چاپ اول، قم: دفتر تبلیغات اسلامی،
- ضیف، شوقی. (۱۴۱۸)، *تاریخ الأدب العربی (العصر العباسی)*، القاهرة: دار المعارف.
- طراز مجید (۱۴۲۷)، *شرح دیوان ابی العتاهیه*، بیروت: دار الکتب العربی.
- العبدی، هالة فاروق فرج (۲۰۰۴)، *أثر القرآن الکریم فی شعر الزهد فی العصر العباسی الأول*، رسالة الماجستير، جامعة بغداد.
- عباس، احسان (۱۹۶۹)، *تاریخ الأدب الأندلسی*، عصر سیاده القرطبه، بیروت: دارالمعارف.
- عبد الجلیل، ژان محمد (۱۳۷۶)، *تاریخ ادبیات عرب*، ترجمه آذرتاش آذرنوش، تهران: امیرکبیر.
- علیان، احمد محمد (۱۹۹۱)، *ابوالعتاهیه حیاتة واغراضه الشعریة*، چاپ ۱، بیروت: دارالکتب العلمیة.
- الغزال، یحیی بن حکم (۱۹۸۲) *الدیوان*، تحقیق محمد رضوان الدایه دمشق: دار قتیبه.

- الفاخوری، حنا، (۱۳۸۳)، تاریخ ادبیات زبان عربی، ترجمه عبد الحمداًیتی، تهران، انتشارات توس، چاپ ششم.
- کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۹۹۰)، اصول کافی، تصحیح محمد جعفر شمس الدین، جلد دوم، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
- مقرئ تلمسانی، احمد بن محمد، (۱۹۹۸)، نفخ الطیب من غصن الاندلس الرطیب، جلد ۲، بیروت: دارالفکر.
- نراقی، احمد بن محمد مهدی (۱۳۴۸)، معراج السعاده، جلد چهارم، تهران: حوزه علمیه اسلامی.
- شریف رضی، محمد بن حسین (۱۳۷۹)، نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، قم: مشهور.
- طالب پور، دانا (۱۴۰۱)، «تجلی سویه های زهداندیشی در شعر و اندیشه غزال اندلسی»، مجله پژوهش در آموزش زبان و ادبیات عرب، دوره چهارم، شماره پنجم.